

# تقوای سیاسی و اعتماد سیاسی: مقایسه ظرفیت اعتمادسازی مردمسالاری دینی و لیبرال دموکراسی

نویسنده: محسن ردادی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۹۶/۳/۲۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۶/۶/۱

فصلنامه مطالعات راهبردی بسیج، سال بیستم، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۶

## چکیده

مردمسالاری<sup>۲</sup> برای بقا و بهبود کارکردها نیازمند اعتماد سیاسی است. این نوشتار در پی مقایسه‌ی ظرفیت نظام مردمسالاری دینی و دموکراسی لیبرال در تولید اعتماد سیاسی به روش مطالعه تطبیقی است. به این منظور ابتدا اهمیت و ضرورت اعتماد سیاسی برای نظام مردمسالاری مورد توجه قرار می‌گیرد و سپس دو ابزار مهم نظام دموکراسی لیبرال در تولید اعتماد سیاسی، یعنی «نهادسازی» و «مشارکت سیاسی» معرفی می‌گردد. ناکامی نظام‌های دموکراسی‌های لیبرال معاصر در جلب اعتماد سیاسی شهروندان، که در نوشته‌های پژوهشگران از آن با عنوان «زوال بزرگ اعتماد سیاسی» یاد می‌شود، نقطه‌ی آغازی برای تبیین اعتماد سیاسی در نظام مردمسالاری دینی خواهد بود. در نظام مردمسالاری دینی علاوه بر استفاده از نهادسازی و مشارکت سیاسی برای تولید اعتماد سیاسی، از ابزار مهم دیگری با عنوان «تقوای سیاسی» بهره گرفته می‌شود که منبع تولید اعتماد سیاسی خواهد بود. در این نوشتار تقوای سیاسی در قالب درختواره‌ای معرفی می‌گردد که توانایی تولید اعتماد سیاسی بر اساس رابطه‌ی امام و امت را دارد. سه اصل مهم در نظریه‌ی تقوای سیاسی معرفی می‌گردد که می‌تواند انباشت اعتماد سیاسی در جامعه‌ی اسلامی ایجاد نماید.

## واژگان کلیدی:

مردمسالاری لیبرال، مردمسالاری دینی، اعتماد سیاسی، نهادسازی، مشارکت سیاسی، تقوای سیاسی، امام و امت.

۱. عضو هیات علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، mohsen1404@chmail.ir

فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات راهبردی بسیج / سال بیستم / شماره ۷۶ / پاییز ۱۳۹۶

Gershtenson, Ladewig) اعتماد سیاسی برای ایجاد و بقای مردم‌سالاری حیاتی است (Encar- & Plane, 2006, p 882) و کاهش اعتماد، مردم‌سالاری را تضعیف می‌نماید. (به عنوان nación, 2006, p 148) زیرا رابطه روشنی میان «میزان مشارکت سیاسی» (به عنوان رکن مردم‌سالاری) و احساس «اعتماد سیاسی» وجود دارد. (Li & Marsh, 2008, p 247) به دلیل وابستگی اعتماد سیاسی و مردم‌سالاری، می‌توان گفت که با کاهش اعتماد، مردم‌سالاری نیز تحلیل می‌رود. (Lenard, 2007, p 385) با توجه به این موضوع، بسیاری از محققان علوم اجتماعی و مراکز تحقیقاتی دنیا، نسبت اعتماد و مردم‌سالاری را مورد بررسی و رصد قرار داده‌اند. در سال‌های اخیر، برخی مراکز علمی، بر زوال اعتماد سیاسی و تبعات آن تمرکز کرده‌اند. (Clark & Lee, 2001, p 19) برخی از مهمترین محققین در این زمینه در «گروه مطالعات دولتی جان اف. کندی در دانشگاه هاروارد» مشغول هستند. افرادی مانند «نای<sup>۲</sup>»، «زلیکو<sup>۳</sup>» و «کینگ<sup>۴</sup>» در این مرکز تحقیقاتی فعالند و نوشته‌های مفصل و معتبری را ارائه نموده‌اند. همچنین در «دانشگاه ویرجینیا»<sup>۵</sup>، افرادی مانند «هانتر<sup>۶</sup>» و «بومن<sup>۷</sup>» در مورد نسبت اعتماد و دموکراسی‌های غربی تحقیق می‌کنند. به علاوه «مرکز تحقیقاتی پو در زمینه مردم و رسانه»<sup>۸</sup> بخشی مهمی از تحقیقات خود را به موضوع اعتماد سیاسی در جوامع دموکراتیک اختصاص داده است. آنچه این پژوهشگران و سایر محققین بر آن اتفاق نظر دارند این است که «در اواخر قرن بیستم، بی‌اعتمادی سیاسی یک عارضه شایع در تمام دنیا بود. نسل جوان و تحصیل کرده، انتظار زیادی از دموکراسی لیبرال داشتند و چون این انتظارات برآورده نشد، سرخورده شدند و نسبت به سیاستمداران و نهادهای دموکراتیک، بی‌اعتمادی از خود نشان دادند.» (Van Der Brug & Van Praag, 2007, p 443)

پیمایشی که توسط مؤسسات WVS<sup>۹</sup> و EVS<sup>۱۰</sup> بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۰ در ۸۰ کشور دارای نظام‌های دموکراتیک مستقر و تازه تأسیس انجام شده نشان می‌دهد که اعتماد سیاسی، در بیشتر دموکراسی‌ها رو به زوال است و میزان این کاهش اعتماد، قابل توجه است. (Inglehart 2004) آمار نشان می‌دهد که اعتماد به نهادهای دموکراتیک

1. John F. Kennedy school of Government at Harvard

2. Nye

3. Zelikow

4. King

5. University of Virginia

6. Hunter

7. Bowman

8. The Pew Research Center for the People and Press

9. World Values Surveys

10. World Values Surveys



در بسیاری از کشورها، کاهش یافته است. به طور متوسط، اعتماد به نهادهای قانون گذار در نظام‌های دموکراسی لیبرال در حال افول است. (Van Der Brug & Van Praag, 2007, p 443) این آمارها گستره فزاینده‌ای از انواع مردم‌سالاری‌ها را در بر می‌گیرد، اما بیش از همه در مورد لیبرال دموکراسی‌ها صادق است.

بر اساس پژوهش‌ها «دولت» در غرب، دیگر حامی مردم و نهادی سودمند به شمار نمی‌رود. بلکه به عنوان تولیدکننده رسوایی، اسراف و مداخلات بی‌مورد در زندگی شهروندان تلقی می‌شود. در سی سال گذشته، اعتماد سیاسی به شکل ترسناکی در نظام‌های دموکراسی لیبرال کاهش یافته است. (Hetherington, 1998, p 791) از این کاهش بی‌سابقه اعتماد سیاسی، با عنوان «زوال اعتماد سیاسی» (Decline of Political Trust) یاد می‌شود. یکی از نشانه‌های این وضعیت، بحران در مشارکت سیاسی است که نگرانی‌های زیادی را در میان سیاستمداران و عالمان سیاسی برانگیخته است. آن‌ها با نگرانی نظاره‌گر این مسأله هستند که کاهش اعتماد سیاسی، به کاهش مشارکت سیاسی منجر شده است. (Mechanic, 1996, p 455) نگرانی اصلی از زوال اعتماد به نهادهای سیاسی و مدنی از آنجا نشأت می‌گیرد که فرض می‌شود حمایت و اعتماد، برای کارکرد نهادهای دموکراسی ضروری است. (Shakaryan, 2007, p 261).

در مقابل نظام لیبرال دموکراسی، راه‌های متعددی در نظام فکری اسلام وجود دارد که اعتماد سیاسی در جامعه را تقویت می‌کند؛ اما بیش از همه، تأکید اسلام بر «تقوی» نظر نگارنده را جلب نموده و به همین دلیل بحث خود را بر این بنیان استوار می‌سازد. «تقوی» یکی از ابزارهای بسیار قوی برای ایجاد کنترل درونی در انسان است.

«تقوی» یک روش عام است که بر جنبه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی افراد تأثیر می‌گذارد. یکی از این جنبه‌ها، بُعد سیاسی زندگی افراد است که «تقوای سیاسی» در آن فعال است. تقوای سیاسی باعث می‌شود که کنترل‌کننده‌های درونی در فرد تقویت شود و او را نسبت به آفات «قدرت سیاسی» مصون سازد. تقوای سیاسی، به صاحب‌منصبان و کارگزاران دولت اختصاص ندارد، اگرچه این افراد بیشتر به تقوای سیاسی نیاز دارند. عموم امت جامعه، می‌توانند از تقوای سیاسی بهره‌مند شوند و اشتباهات سیاسی خود را کاهش دهند. این نوشتار با مرور تحقیقاتی که خبر از کاهش اعتماد در نظام‌های لیبرال دموکراسی می‌دهند در صدد تبیین و توضیح مکانیسم تقوای سیاسی در تولید و انباشت اعتماد سیاسی در جامعه اسلامی است.

به این منظور با استفاده از روش «مطالعه تطبیقی» ظرفیت‌های نظام لیبرال دموکراسی و نظام مردم‌سالاری دینی مورد توصیف و بررسی قرار می‌گیرد. در واقع این نوشتار به دنبال



جستجو و توصیف ظرفیت‌هایی است که در نظام لیبرال دموکراسی و نظام مردم‌سالاری دینی برای تولید اعتماد وجود دارد.

## ۲- چارچوب مفهومی: رابطه مردم‌سالاری و اعتماد سیاسی

«اعتماد سیاسی، به جهت‌گیری مؤثر و محاسبه شده مردم به دولت باز می‌گردد و بر پایه این قرار دارد که تا چه حد دولت مطابق انتظارات مردم رفتار می‌کند.» (Ulbig, 2002, p 789) این مفهوم، بر مبنای چگونگی مطابقت رفتار دولت با انتظار مردم تعریف می‌شود و با میزان حمایت مردم از نهادهای سیاسی مرتبط است. (Hetherington, 1998, p 791) هر چقدر دولت بیشتر بتواند انتظارات مردم را برآورده سازد، بیشتر مورد اعتماد قرار می‌گیرد.

حکومت لیبرال دموکراسی، بر اساس حاکمیت «اکثریت مردم» بنا شده و در آن حق انتخاب کردن و انتخاب شدن برای همه مردم به صورت برابر در نظر گرفته شده است. تفاوت مهم این حکومت با حکومت دینی این است که ویژگی اخلاقی یا کمالات روحی و معنوی خاصی برای متصدیان مناصب سیاسی به عنوان پیش شرط در نظر گرفته نشده و تصدی مناسب مشروط به آنها نشده است. (معمار، ۱۳۸۷، ص ۱۰۲)

هر حکومت در بدو تشکیل یا در مواقع بحران، نیازمند حمایت طرفداران است. این افراد، از پایه‌های نوپای حکومت و مشروعیت حاکم دفاع می‌کنند. اگر نظام سیاسی نتواند رضایت و اعتماد این گروه کوچک نخبگان را جلب نماید، با اولین بحران، نظام سیاسی سقوط خواهد نمود. (Myerson, 2008, p 121) بنابراین اعتماد سیاسی برای همه انواع حکومت‌ها اهمیت دارد؛ اما به صورت خاص اعتماد سیاسی برای نظام مردم‌سالار، اهمیت بسیار بیشتری دارد و «مفهوم مرکزی زندگی سیاسی مردم‌سالار» را تشکیل می‌دهد. (Warren, 1999, p 706)

از طرف دیگر اعتماد سیاسی برای «حکمرانی خوب»<sup>۱</sup> ضروری و مهم است. به صورت کلی سه جنبه اساسی برای حکمرانی خوب بر شمرده شده است: «بهبود در آمد اقتصادی شهروندان، ایجاد اعتماد، کارآمدی». این سه ویژگی باعث حمایت رأی‌دهندگان از دولت می‌شود و رضایت از دولت را به وجود می‌آورد. (Helliwell & Huang, 2008, p 595) حکمرانی خوب، صرفاً در پرتو اعتماد است که امکان ظهور دارد. (Zmerli & New-ton, 2008, p 706) به همین دلیل نظام‌های مردم‌سالار که به دنبال حکمرانی خوب هستند همواره بخش عمده‌ای از توان و انرژی خود را، صرف جلب اعتماد مردم می‌کنند. دولت‌مردان آگاهند که بی‌اعتمادی سیاسی می‌تواند به خروج فیزیکی شهروندان از

1. Good government



جامعه یا عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی منجر شود. (Macy, 2002, p473) موفقیت مردم‌سالاری وابسته است به اعتماد عمومی مردم به نهادهای دموکراتیک. (Maddox, 2008, p 17) جوزف نای نشان می‌دهد که بی‌تفاوتی نسبت به دولت و روندهای سیاسی، مشارکت و کیفیت مردم‌سالاری را کاهش می‌دهد. (Nye, 1997, p1) شواهد آماری نیز چنین موضوعی را تأیید می‌کند و همبستگی معناداری میان اعتماد و مردم‌سالاری وجود دارد. مردم‌سالاری‌های موفق، معمولاً از اعتماد زیادی برخوردارند. (Inglehart, 1999, p 88) در صورتی که اعتماد سیاسی میان شهروندان کاهش یابد، دولت در خطر سقوط قرار می‌گیرد و حتی ممکن است «بی‌اعتمادی سیاسی مردم را به سوی خشونت یا رأی دادن به افراط‌گرایان سوق دهد.» (Aberbach & Walker, 1970, p 1199)

در نظام مردم‌سالاری شهروندان به «دولت‌هایی که رفتار قابل اعتمادی از خود به نمایش بگذارند، اعتماد می‌کنند.» در ادبیات جامعه‌شناختی، این نوع اعتماد را «اعتماد عمودی» می‌نامند. علاوه بر اعتماد عمودی، نوع دیگری از اعتماد هم باید در جامعه مردم‌سالار رواج داشته باشد و آن «اعتماد افقی» است. اعتماد افقی به این معناست که مردم جامعه به یکدیگر اعتماد دارند. (Lenard, 2007, p 385) بنابراین در یک مردم‌سالاری کارآمد و با ثبات باید هم اعتماد افقی و هم اعتماد عمودی در سطح بالایی باشد. اعتماد زیاد یا کم به دولت، به یک اندازه خطرناک و زیان‌بار است. میزان اعتماد سیاسی، باید به صورت بهینه و چیزی میان حداکثر و حداقل تنظیم شود. هرچه اعتماد بیشتر باشد، دولت بهتر و ساده‌تر می‌تواند منابع و مردم را مدیریت نماید. اعتماد زیاد، پاسخگویی دولت را کاهش می‌دهد و اعتماد کم، کارایی آن را. اعتماد سیاسی، یک شمشیر دولبه برای مردم‌سالاری است. از یک طرف، افزایش اعتماد به دولت «آن را توانمند می‌سازد» و بنابراین کارآمدی دولت را افزایش می‌دهد؛ و از سوی دیگر «جوابگویی و مسئولیت‌پذیری آن را کاهش می‌دهد» که در نظام مردم‌سالاری نامطلوب تلقی می‌شود. به همین دلیل، پژوهشگران توصیه می‌کنند که «اعتماد به دولت باید در حالت تعادل قرار داشته باشد.» (Clark & Lee, 2001, p 19)

### ۳- ظرفیت‌های تولید اعتماد سیاسی در نظام مردم‌سالاری

نظام مردم‌سالاری دوا ابزار عمده برای تولید اعتماد دارد که آن را بی‌همتای می‌نماید. این دو ابزار عبارتند از «نهادهای سیاسی» و «مشارکت سیاسی». هر یک از این ابزارها، در تولید و افزایش اعتماد سیاسی نقش مؤثری دارند. در نظام‌های لیبرال دموکراسی صرفاً از این



ابزارها و ظرفیت‌ها برای تولید اعتماد استفاده می‌گردد؛ در صورتی که در نظام مردم‌سالاری دینی می‌توان در کنار این ظرفیت‌ها از «تقوای سیاسی» نیز به عنوان یک ابزار مهم در تولید اعتماد سیاسی بهره برد که در بخش بعد مورد تبیین و توضیح قرار می‌گیرد.

### ۳-۱- نهادسازی

یکی از ابزارهای بسیار مهم در ایجاد اعتماد ساختن نهاد است. بنا بر نقل گزنفون، علت پیروزی کوروش، تشکیل نهاد سیاسی‌ای به نام «امپراتوری پارس»<sup>۱</sup> بود. (Myerson, 2008, p 121) این نهاد سیاسی، قدیمی‌ترین نهادی است که در تاریخ ثبت شده است. در دوره مدرن، به جای تکیه بر افراد نهادهایی ساخته شدند که به تولید «ثروت، قدرت و اطلاعات» می‌پرداختند. شرکت‌های چند ملیتی در خدمت تولید ثروت قرار گرفتند و بنگاه‌های مدیریت رسانه، دانشگاه‌ها و مجتمع‌های آموزشی، برای تولید دانش و اطلاعات به کار گرفته شدند. برای تولید و مدیریت قدرت نیز نهادهای سیاسی<sup>۲</sup> تأسیس شدند که می‌توانستند بیش از توانایی‌های یک یا چند فرد، قدرت بیافرینند. حزب سیاسی یکی از نهادهایی است که در نظام‌های مردم‌سالار و به ویژه در دموکراسی‌های لیبرال به کار گرفته می‌شود. هرچه مردم «نزدیکی بیشتری با حزب احساس کنند، به نهادهای دولتی‌ای که تحت کنترل حزبشان هست، بیشتر اعتماد می‌کنند و در کل اعتماد بیشتری به دولت می‌ورزند.» (Gershtenson, Ladewig & Plane, 2006, p882). هرچه عمر نهاد طولانی‌تر شود و کارآیی خود را بهتر نشان دهد، اعتماد بیشتری کسب می‌کند. نهادها، می‌توانند عمری جاودانه داشته باشند و میزانی از اعتماد را انباشته نمایند که برای یک انسان فانی، غیرممکن است. در طول این مدت، بارها و بارها، اعضای نهاد عوض می‌شوند، اما یک نهاد مستحکم و فاقد ویژگی‌های بشری، تغییری نمی‌کند. نهادها معتبر شمرده می‌شوند چون ماندگار هستند و پس از اینکه ایجاد شدند، می‌توان آنها را بدیهی فرض کرد. (اوفه ۱۳۸۴، ص ۲۴۱)

### ۳-۲- مشارکت سیاسی

دومین ابزار مهم مردم‌سالاری در اعتماد سازی «مشارکت سیاسی»<sup>۳</sup> است. با استفاده از این ابزار، نظام دموکراسی، شهروندان را قانع می‌کند که تصمیم‌های نظام حاکم مطابق با «ترجیحات سیاسی» مردم است. این اقناع، اعتماد سیاسی مردم را افزایش می‌دهد. ابزارهایی همچون رسانه‌ها و جامعه مدنی، انتخابات، همه‌پرسی و ... برای مشارکت دادن شهروندان در روندهای سیاسی است که در نهایت به افزایش اعتماد

1. The Persian Empire  
2. Political Institutions  
3. Political Participation



سیاسی منجر می‌گردد. تحقیقات نشان می‌دهد که انتخابات و شرکت در کمپین‌های انتخاباتی، در حمایت از نظام سیاسی و کارآمدی سیاسی تأثیر مثبت دارد. (Banducci & Karp, 2003, p 443)

#### ۴- نظام‌های دموکراسی لیبرال و زوال اعتماد سیاسی

در دموکراسی‌های لیبرال احزاب قدرت را در دست دارند و این نهادها نقش بسیار مؤثری در اعمال حاکمیت ایفا می‌نمایند. احزاب به عنوان نهادهای سیاسی محل اصلی رقابت‌های انتخاباتی است. رأی‌دهندگان بیش از آنکه به ویژگی‌ها و قابلیت‌های نامزد انتخاباتی توجه نمایند، بر اساس وفاداری حزبی رأی می‌دهند. قدرت نیز بین احزاب تقسیم می‌شود و برنامه‌های حزب است که توسط دولت اجرا می‌گردد؛ بنابراین اصولاً قدرت در دست افراد نیست و محدود به احزاب است؛ اما از آنجا که مشارکت سیاسی جریان دارد و نظام سیاسی وجود چند حزب را پذیرفته است، قدرت میان این احزاب جابجا می‌شود و مردم این اختیار را دارند که انتخاب کنند به کدامیک از احزاب، قدرت ببخشند. «کلیری و استوکز»<sup>۱</sup> در کتاب دموکراسی و فرهنگ بدبینی<sup>۲</sup> بر اساس آمار نتیجه می‌گیرند که در نظام‌های دموکراتیک کارآمد، اعتماد به نهادهای سیاسی بیش از خود سیاستمداران است. (Cleary & Stokes 2009)

نظام دموکراسی لیبرال با تکابه این دوا ابزار تلاش دارد جریان انباشت اعتماد سیاسی را حفظ نماید. با این حال بر اساس شواهد و تحقیقات موجود، در آمریکا و سایر دموکراسی‌های لیبرال با کاهش شدید اعتماد سیاسی مواجه هستند. تعداد رأی‌دهندگان و میزان مشارکت سیاسی کاهش یافته، بدبینی و بی‌اعتمادی سیاسی به سیاستمداران و نهادهای عمومی افزایش یافته است (Banducci & Karp, 2003, p 443) و زوال اعتماد سیاسی در همه کشورهایی که نظام دموکراسی لیبرال دارند، رخ داده و در حال تشدید است.

#### ۴-۱- زوال اعتماد در آمریکا

نظام سیاسی آمریکا، نوعی دموکراسی لیبرال خاص به نام «دموکراسی آمریکایی» است که الگو و سرمشق بسیاری دیگر از کشورهای دیگر و دموکراسی‌های لیبرال جدید قرار گرفته است. نظام آمریکا که گسترش دموکراسی در جهان را جزو اهداف سیاست خارجی خود قرار داده، اکنون با چالش مهمی مواجه شده است. سال‌هاست که محققان، بانگرانی متوجه افزایش بدبینی سیاسی در جامعه آمریکا شده‌اند. (Michelson, 2003, p 918)

در اوایل دهه ۷۰، «میلر» نسبت به کاهش اعتماد سیاسی در میان شهروندان آمریکایی

1. Cleary and Stokes
2. Democracy and the Culture of Skepticism





هشدار داد. (Miller, 1974, p 951) بر اساس تحقیقات نای و همکارش، در اواخر دهه ۹۰، یک چهارم مردم آمریکا به دولت اعتماد داشتند، در حالی که در اواسط دهه ۶۰، سه چهارم آمریکاییان به دولت ابراز اعتماد کرده بودند. (Nye Jr, 1997, p 1) اعتماد رأی دهندگان آمریکایی در هر دو حوزه اعتماد به صاحب منصبان سیاسی و اعتماد به روند انتخابات زوال یافته است. به همین میزان، این اعتقاد به وجود آمده که سیاستمداران، به نیازهای مردم بی توجه هستند. (Schiffman et al, 2002, p993)

بنابر آمار «مرکز ملی مطالعات انتخابات»<sup>۱</sup> ۷۶ درصد آمریکایی‌ها در سال ۱۹۶۴ به دولت ملی، «همواره» یا «بیشتر اوقات» اعتماد داشته‌اند. در سال ۱۹۸۰، این میزان به ۲۵ درصد سقوط کرد. در سال ۲۰۰۲ تا حدی وضعیت بهبود یافت و این آمار به ۵۶ درصد رسید که باز هم با ۴۰ سال پیش، اختلاف فاحش ۲۰ درصدی دارد. (Citrin, Jack & Luks, 2001, p 9) بر همین اساس، آمارها نشان می‌دهد که مقبولیت رئیس‌جمهور آمریکا در دهه ۹۰، به طور عمومی، ۱۰ تا ۱۵ درصد پایین‌تر از قدیمی‌ترین آماری است که در مورد مقبولیت رئیس‌جمهور آمریکا ثبت شده است. (Hetherington, 1998, p 791) «پاتنام» در تحقیقات خود به این نتیجه رسیده است که اعتماد سیاسی نه تنها در آمریکا نسبت به ۵۰ سال گذشته کمتر شده، بلکه دولت آمریکا نسبت به دولت‌های دیگر، از اعتماد سیاسی کمتری برخوردار است. (Marcus, 2007, p 368)

این وضعیت، آینده دموکراسی آمریکایی را با مشکل جدی مواجه کرده است. افزایش بی‌اعتمادی در میان رأی‌دهندگان آمریکایی، ممکن است آنها را به سوی حزبی به جز دموکرات و جمهوری خواه سوق دهد. (Hetherington, 1999, p 311) قدرت یافتن گروه تندرویی چون «حزب چای»<sup>۲</sup> نتیجه افزایش بی‌اعتمادی سیاسی مردم آمریکاست.

#### ۴-۲- زوال اعتماد سیاسی در اروپا

«سوزان فار» و «رابرت پاتنام» در سال ۲۰۰۰ و در کتابی به نام «دموکراسی‌های سرخورده»<sup>۳</sup> زوال اعتماد سیاسی در آمریکا را به بحث گذاشته و به این موضوع پرداخته‌اند که چگونه این بی‌اعتمادی به اروپا و ژاپن نیز سرایت کرده است. آن‌ها این وضعیت را «دموکراسی‌های سرخورده» نام نهاده‌اند. پشت جلد این کتاب نوشته شده است: «نکته بسیار طنزآمیز اینجاست که در سراسر دنیا، دموکراسی جایگزین سایر انواع حکومت‌ها می‌شود، در حالی که شهروندان موفق‌ترین و پایدارترین دموکراسی‌ها (ایالات متحده آمریکا، کانادا، اروپای غربی و ژاپن) از دولت‌های خود اظهار ناراضی‌تی و ناامیدی می‌کنند.»

(Pharr & Putnam 2000)

1. National Election Studies
2. Tea party
3. Disaffected democracies





در سوم مارس سال ۲۰۰۶، روزنامه «سیدنی مرنینگ هرالد»<sup>۱</sup> نتایج یک نظرسنجی را اعلام کرد که طبق آن، بیشتر مردم اعتقاد داشتند دولت مرتب به آنها دروغ می گوید. (Maddox, 2008, p 17) بریتانیا نیز که از قدیمی ترین نهادهای دموکراتیک دنیا برخوردار است، اکنون با بحران زوال اعتماد به سیاستمداران مواجه شده است. (Wright, 2006, p 206) در سوئد، دید مردم به سیاستمداران نسبت به دهه ۱۹۵۰، به خصوص در رسانه‌ها بسیار منفی تر شده است. (Banducci & Karp, 2003, p 443)

«راسل دالتون»<sup>۲</sup> در کتاب خود، روند کاهش اعتماد سیاسی در ۴۰ سال اخیر را به تصویر می کشد. اطلاعات و آمار این کتاب نشان می دهد که مردم از دموکراسی رضایت ندارند. (Dalton 2007) دالتون در تحقیق خود به این نتیجه رسید که شهروندان بسیاری از دموکراسی های غربی، در حال از دست دادن اعتماد خود به نهادهای سیاسی مانند پارلمان، دولت و حاکمیت سیاسی هستند. نکته مهم در تحقیقات دالتون این است که «کاهش طرفداری از دموکراسی های [لیبرال] در میان حاشیه نشینان سیاسی رخ نداده است، بلکه جوانان، تحصیل کرده‌ها و شهروندان طبقه بالا که بیشترین منفعت را از پیشرفت اجتماعی می برند، بیشترین بدبینی به دموکراسی را از خود نشان می دهند.» (Van Der Brug & Van Praag, 2007, p443) معنای دیگر این سخن این است که «دشمنان دموکراسی لیبرال» را اکنون باید در میان نسل جوان و دانشگاهی غرب یافت.

پاتنام، بخشی از زوال اعتماد سیاسی در غرب را معطوف به «شیوع بدبینی سیاسی و بی مسئولیتی مدنی» می داند که در نهایت بر کیفیت دموکراسی جهانی تأثیر خواهد گذاشت. (Putnam 2004) برخی تحقیقات نشان می دهند که «رسانه‌ها» نیز در زوال اعتماد سیاسی و افزایش بدبینی سیاسی سهم داشته‌اند. (Banducci & Karp, 2003, p 443)

#### ۴-۳- زوال اعتماد سیاسی در دموکراسی های لیبرال نوپا

در ۲۵ سال گذشته دموکراسی لیبرال در بسیاری از جوامع جایگزین نظام تک حزبی و سایر انواع حکومت‌ها شده است. این روند از اواسط دهه ۱۹۷۰ در جنوب اروپا آغاز و به آمریکای لاتین، آسیا و آفریقا کشیده شد. انتظار این بود که با استقرار نهادهای سیاسی دموکراسی و افزایش مشارکت مردم، اعتماد مردم به حکومت‌های جدید بهبود یابد؛ اما کاملاً برخلاف انتظار، آمارها نشان می دهد که اعتماد سیاسی در دو دهه گذشته در این دموکراسی های جدید کاهش یافته و رو به زوال است و به نظر نمی رسد که در

1. Sydney Morning Herald  
2. Russell Dalton



آینده نیز بهبود یابد. (Mechanic, 1996, p455) آمار نشان دهنده این واقعیت است که مردم از دموکراسی‌های تازه تأسیس ناراضی هستند و در برخی از موارد مانند روسیه در زمان «یلتسین» و پرو در حکومت «فوجیموری» این نارضایتی‌ها به بحران منجر شده است. (Mechanic, 1996, p 455)

زوال اعتماد در دموکراسی‌های جدید، شدیدتر از دموکراسی‌های لیبرال غربی است. اعتماد مردم کره جنوبی به پارلمان از ۷۰ درصد در سال ۱۹۸۱ به ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۱ رسید. اعتماد به دادگاه‌ها و خدمات اجتماعی در همین زمان از ۸۰ درصد به ۴۵ درصد کاهش یافت. آمار نشان می‌دهد که کره جنوبی دچار یک بحران جدی در اعتماد سیاسی شده است. همچنین جوامع پسا کمونیستی به شدت از کمبود اعتماد رنج می‌برند و به خصوص این بی‌اعتمادی مربوط به نهادهای سیاسی است. به عنوان مثال در لهستان، اعتماد مردم به پارلمان و دولت بین سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۳، ۲۰ درصد کاهش یافته و از ۸۰ درصد به ۶۵ درصد رسیده است. در ارمنستان نیز وضعیت به همین وخامت است و کمبود اعتماد باعث فساد و بحران شده و روند دموکراسی‌سازی را کند کرده است. (Shakaryan, 2007, p 261)

### ۵- ناکارآمدی دموکراسی‌های لیبرال در تداوم تولید اعتماد سیاسی

کاهش یافتن اعتماد سیاسی در دموکراسی‌ها یک واقعیت است و نشان می‌دهد این نظام‌های سیاسی در تولید اعتماد دچار ضعف هستند؛ زیرا اعتماد انباشته در جامعه اگر مورد تقویت قرار نگیرد رو به زوال می‌رود و به تدریج اعتماد سیاسی کم‌رنگ و کم‌رنگ‌تر می‌گردد. اگر نظام سیاسی در تولید اعتماد موفق باشد اعتماد نه تنها در جامعه جاری خواهد شد بلکه به ذخایر انباشته اعتماد نیز اضافه خواهد شد. اینکه می‌بینیم در جامعه‌ای بی‌اعتمادی وجود دارد و نظام سیاسی با وضعیت عدم اعتماد شهروندان مواجه است نشانه آشکاری است از اینکه تولید اعتماد سیاسی به درستی صورت نمی‌گیرد.

نظام مردم‌سالار به شدت وابسته به اعتماد سیاسی است و نیاز دارد که در زمان بحران اقتصادی و سیاسی، مردم به نهادهای سیاسی و اقتصادی اعتماد نمایند. (Mechanic, 1996, p 455) مثلاً لازم است در زمان بحران اقتصادی، شهروندان سیاست ریاضت اقتصادی را به امید بهبود اوضاع در آینده محتمل بپذیرند. «کسی که اعتماد می‌کند، می‌پذیرد که برای منافع جمعی، از اعمال نفوذ بر روند تصمیم‌سازی چشم‌پوشی کند.» (Mechanic, 1996, p 455) شورش‌هایی که در کشورهای اروپایی در سال ۲۰۰۹ - ۲۰۱۰ و در پی تصمیم این دولت‌ها برای اجرای سیاست ریاضت اقتصادی



رخ داد، نشانه آشکار و واضح کاهش اعتماد سیاسی در غرب است. بیل کلینتون رئیس‌جمهور اسبق آمریکا، در تاریخ ۱۹ آوریل ۲۰۱۰ «هشدار داد که اعتماد مردم به دولت آمریکا به پایین‌ترین میزان خود در نیم قرن اخیر رسیده است و از تمامی سیاستمداران و تحلیلگران سیاسی خواست تا همه تلاش خود را متوجه گروه‌هایی نمایند که نفرت مردم را بر می‌انگیزند و مردم را به انجام خشونت تحریک می‌کنند.» (Guardian April 22, 2010) اظهار مقامات نگرانی مقامات مسئول دولت آمریکا، نشان‌دهنده جدی بودن موضوع بحران اعتماد سیاسی در این کشور است.

میزان واقعی احساسات ضد دولتی در نظرسنجی «مرکز تحقیقاتی پو<sup>۱</sup>» مشخص می‌شود. بنابر این تحقیقات، «اطمینان عمومی به دولت آمریکا، به کمترین میزان خود در نیم قرن اخیر رسیده است. تقریباً ۸ نفر از هر ۱۰ آمریکایی مورد تحقیق، صریحاً گفته‌اند که به دولت اعتماد ندارند و فقط ۲۲ درصد گفتند که همواره و یا بیشتر اوقات به دولت اعتماد دارند.» به گفته «اندرو کوت<sup>۲</sup>»، مدیر این مرکز تحقیقاتی، «در طول تاریخ آمریکا، اعتماد به دولت، به ندرت تا این حد کاهش یافته بود.» عوامل متعددی همچون؛ «مخالفت با اوباما، بحران اقتصادی و به صورت خاص نقش وال استریت در این بحران، خشم و نارضایتی مردم از هر دو حزب جمهوری خواه و دموکرات» باعث نارضایتی شدید مردم آمریکا شده است. (<http://www.informationclearinghouse.info>)

پایان تراژدی زوال اعتماد سیاسی در غرب، خشونت‌بار و غیر قابل‌تصور است. «یک مرکز مطالعاتی به نام «مرکز حقوقی مطالعات فقر در جنوب<sup>۳</sup>» که گروه‌های ستیزه‌جو را شناسایی می‌کند، اعلام کرد که موجی از گروه‌های نظامی و افراطی در حال خیزش هستند. رئیس این مرکز، «مارک پوتوک<sup>۴</sup>» اوضاع را بسیار وخیم می‌داند و معتقد است که فقط یک جرقه کافی است تا همه جا را به آتش بکشد.» (<http://www.informationclearinghouse.info>) گزارش‌هایی از این دست، فراوان است و به راحتی نمی‌توان از کنار آن‌ها عبور کرد.

## ۶- ابزار تولید اعتماد سیاسی در نظام مردمسالاری دینی: تقوای سیاسی

در نظام مردم‌سالاری تأکید بر این است که شهروندان فعال و هشیار با شکاکیت سالم اعتماد سیاسی را مشروط و معلق سازند و به این وسیله دولت را کنترل نمایند. (Mishler & Rose, 1997, p 418) شهروندان باید رفتار مقامات انتخابی و غیرانتخابی سیاسی

1. Pew Research Centre
2. Andrew Kohut
3. Southern Poverty Legal Centre
4. Mark Potok



را مرتباً رصد نمایند تا اطمینان یابند که آنها کار خود را به خوبی انجام می‌دهند. (Cooper et al, 2008, p 459) در یک مردم‌سالاری خوب، باید به انگیزه‌ها و رفتارهای سیاستمداران با دیده شک و تردید نگریست، نه اینکه به نیک‌خواهی ذاتی این افراد اعتماد شود. (Lawson, 2007, p522) بنابراین نظارت بیرونی که با اتکا به نهادهای سیاسی و مشارکت مردم شکل می‌گیرد عامل اصلی و انحصاری تولید اعتماد است؛ اما در رویکرد اسلامی به اعتماد، «تقویت کنترل‌کننده‌های درونی» نیز مورد تأکید قرار می‌گیرد و در کنار نظارت بیرونی، اعتماد به نظام سیاسی را تضمین می‌کند. از این دیدگاه اگرچه نهادها بسیار اهمیت دارند اما به تنهایی کافی نیستند و لازم است برخی اصول تعریف و درونی شوند که افراد را به این نهاد خارجی پیوند دهد. بدون این اصول درونی، نهادهای خارجی کم‌فایده می‌شود- همانطور که در دموکراسی لیبرال این اتفاق افتاد و نهادهای مولد اعتماد سیاسی به تدریج کارآیی خود را از دست دادند. «تقوای سیاسی» با درونی کردن فرایندهای اعتمادساز موجب می‌شود که رابطه ارگانیکی میان فرد و نهادهای مولد اعتماد در نظام مردم‌سالار به وجود آید؛ بنابراین منظور این نوشتار این نیست که نهادسازی و مشارکت سیاسی که در نظام مردم‌سالار اعتماد سیاسی تولید می‌کنند را کنار بگذاریم. بلکه افزایش کارآمدی این نهادها و بیشینه کردن تولید اعتماد سیاسی در جامعه لازم است در کنار این نهادهای بیرونی به ابزار درونی‌ای به نام «تقوای سیاسی» مجهز شویم. نظام مردم‌سالاری دینی - که جمهوری اسلامی نیز از چنین نوع حکومتی برخوردار است، می‌تواند علاوه بر ظرفیت‌هایی که به صورت معمول مردم‌سالاری‌ها برای تولید اعتماد سیاسی به خدمت می‌گیرند از «تقوای سیاسی» نیز بهره‌برد و اعتماد سیاسی بیشتری نسبت به سایر حکومت‌ها تولید نماید. نظام‌های مردم‌سالار صرفاً متکی بر نهادسازی و مشارکت سیاسی هستند و در صورت ناکارآمدی این ابزارها تولید اعتماد سیاسی با اختلال مواجه می‌شود؛ اما جمهوری اسلامی با اتکا به تقوای سیاسی می‌تواند همچنان به تولید و انباشت اعتماد سیاسی بپردازد.

اسلام ضمن اینکه بر جایگاه و اهمیت نهادهای سیاسی تأکید می‌کند، از امت‌انتظار دارد که تقوای سیاسی را در خود تقویت نمایند تا به این وسیله، کارآمدی و تولید اعتماد سیاسی بیشینه شود. تقوای سیاسی با اعتماد سیاسی رابطه مستقیم دارد و با فراگیر شدن تقوای سیاسی در جامعه، شاهد افزایش فوق‌العاده اعتماد سیاسی خواهیم بود. تقوای سیاسی، باعث افزایش اعتماد سیاسی در جامعه اسلامی می‌شود. این نوع تقوی، با ارائه برخی اصول، احتمال اشتباه فرد در حوزه سیاسی را کاهش داده و معیار مشخصی برای رفتارهای سیاسی یک فرد با تقوا ارائه می‌دهد.



بررسی تقوای سیاسی که یکی از نتایج آن، تولید اعتماد سیاسی است، در قالب یک مدل به نام «درختواره تقوای سیاسی» انجام می‌گیرد که در ادامه معرفی می‌گردد. در این مدل، تقوای سیاسی به یک درخت و عناصر آن به اجزای آن درخت تشبیه شده است. همانطور که درخت، دارای «ریشه، ساقه و میوه» است، تقوای سیاسی نیز از اصول «بنیادین، میانی و عملی» تشکیل شده است.

نگارنده، ایده طراحی این مدل را از قرآن کریم اخذ نموده است. خداوند در قرآن، «کلمه طیبه» را به «درخت طیبه» تشبیه کرده است. ویژگی درخت طیبه این است که ریشه‌های ثابت و محکمی دارد که مرتبط با ساقه، شاخه‌ها و میوه‌های درخت است و آن‌ها را تغذیه می‌کند. در مقابل، «کلمه خبیث» به «درخت خبیث» تشبیه می‌شود که ریشه‌هایش در زمین نیست و بنابراین ثبات و قراری ندارد. (سوره مبارکه ابراهیم، آیات شریفه ۲۴-۲۷) به بیان علامه طباطبایی، کلمه طیبه عبارت است از «عقاید حقی که ریشه‌اش در اعماق قلب و در نهاد بشر جای دارد» و به همین دلیل «صاحبش پای آن می‌ایستد و عملاً از آن منحرف نمی‌گردد.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۷۲)

«تقوای سیاسی» یکی از اعتقاداتی است که ریشه‌های مستقر و محکمی دارد و راهنمای مؤمنین است. یکی از ثمرات و میوه‌های این درخت، اعتماد سیاسی است. کسانی که گفتمان ولایت را بپذیرند و اصول تقوای سیاسی را رعایت کنند، باعث تولید و انباشت اعتماد سیاسی می‌شوند. تقوای سیاسی را می‌توان به درختی تشبیه کرد که ریشه‌های آن، «اعتقاد به ولایت خداست». ساقه این درخت، اصل «ملازمت پذیرش ولایت خدا و اطاعت از ولی» است که ریشه را به شاخ و برگ و میوه این درخت وصل می‌کند. نتیجه تقوای سیاسی، «التزام عملی و اعتقادی به ولی» است. این التزام، رابطه میان امام و امت را مستحکم می‌نماید و این رابطه، آکنده از «اعتماد سیاسی» است.





شکل ۱- درخت‌واره تقوای سیاسی

### ۶-۱- اصل اول تقوای سیاسی: ولایت، فقط مخصوص خداست

یکی از اصول مسلم اسلام این است که فقط باید از خداوند «اطاعت» نمود و در قرآن و معارف اسلامی، حساسیت ویژه‌ای در منحصر دانستن اطاعت به خداوند وجود دارد. در سوره مبارکه نحل آمده است:

«... و اطاعت خاص اوست آیا باز هم از غیر خدا تقوی پیشه می‌کنید؟» (سوره مبارکه نحل، آیه شریفه ۵۲)

این آیه شریفه، در مقام بیان قانونی است که وجه تمایز سیاسی مسلمانان و کفار است. هیچ‌کس جز خدای متعال، حق تشریح ندارد و حق ندارد که مردم را به اطاعت از خود بخواند. استدلال علامه طباطبایی این است که همه موجودات، مخلوقات خداوند هستند و بنابراین به جز خداوند متعال، هیچ ربی (به معنای مالک مدبر) نمی‌تواند به صورت مستقل به تدبیر عالم بپردازد. (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۲، ص ۳۹۲)

در آیه‌ای دیگر از قرآن کریم «توکل» و «تقوی»، در کنار هم به کار رفته‌اند: «هان ای کسانی که ایمان آوردید... تقوی پیشه کنید و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند.» (سوره مبارکه مائده، آیه شریفه ۱)

در این آیه، مؤمنین ملزم شده‌اند که «تقوی» پیشه نموده و بر خدا «توکل» کنند.





البته «توکل»، فقط در رضایت به مشیت خداوند خلاصه نمی‌شود. در بیان علامه طباطبایی، توکل معنای گسترده‌تری دارد و «شامل امور تشریحی و تکوینی (هر دو) می‌شود». توکل در تشریح به این معناست که فرد با تقوا در قوانین و فرامین الهی دخل و تصرف نکند و از خداوند متعال و رسول گرامی او اطاعت نماید. (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۳۸۹)

هرچه اعتقاد به ولایت خداوند و ممنوعیت اطاعت از غیر خدا بیشتر در ذهن افراد جامعه جای بگیرد، اعتماد آنها به حکومت اسلامی بیشتر می‌شود. اعتماد سیاسی گسترده‌ای که در حکومت نبوی صدر اسلام، تولید می‌شد به این علت بود که تقوای سیاسی امت، زیاد بود و ولایت را خاص خداوند می‌دانستند و در دشمنی با کفار و مشرکین شکی به خود راه نمی‌دادند. در دوران معاصر نیز تقوای سیاسی، اعتماد زیادی نصیب دولت جمهوری اسلامی ایران نموده است. پذیرش ولایت خدا و نفی اطاعت از غیر خدا، باعث شد که مردم به سوی امام خمینی (ره) جذب شوند و به شدت اعتماد سیاسی خود را به حکومت شاهنشاهی از دست بدهند. به کار بردن لفظ «طاغوت» (کسی که مردم را به اطاعت از خود می‌خواند اما «ولی» نیست و تحت ولایت خدا قرار ندارد) در مورد محمدرضا شاه، نشان از اعتقاد مردم به گفتمان تقوی داشت و اینکه مفاهیم و پدیده‌های سیاسی را با استفاده از مفهوم «ولایت» مَفصل‌بندی می‌کردند.

## ۶-۲- اصل دوم تقوای سیاسی: اطاعت از ولی، در راستای اطاعت از خداست

اصل دوم تقوای سیاسی، ولایت الهی را کاربردی می‌نماید و آن را از آسمان به زمین می‌آورد. بنا بر این اصل، باید از کسی که ولایت الهی به او تفویض شده است، اطاعت نمود و ولایت او را در راستای ولایت خداوند متعال پذیرفت. فلسفه این اصل کاملاً واضح و روشن است. پذیرش ولایت خداوند، به معنای تسلیم محض بودن در برابر تمام دستورات و فرامین الهی است. یکی از این دستورات، پیروی کردن از فرستادگان خداوند و ائمه برگزیده است. به همین دلیل، باید اطاعت از «ولی» را اجرای یک حکم الهی تلقی نمود.

پیوستگی میان ولایت خداوند و اطاعت از ولی، در آیات متعدد قرآن قابل مشاهده است و بیان این موضوع، با امر به رعایت «تقوی» همراه شده است. (سوره مبارکه نور، آیات شریفه ۵۲ و ۵۳) در آیات دیگری از قرآن، «تقوی»، «ایمان به خدا» و «اطاعت از ولی» همراه هم به کار رفته است و این خود نشانه ملازمت آنهاست. در سوره شعرا، مکرراً این همراهی تکرار شده است و هدف، تأکید بر پیوستگی این دو است. به طور کلی، خداوند همه مردم را به اطاعت از پیامبران فرا خوانده است: «ما هیچ رسولی



نفرستادیم مگر برای اینکه به اذن ما اطاعت شود.» (سوره مبارکه نساء، آیه شریفه ۶۴) خلاصه کلام این است که انبیای الهی خود را فرستاده خدا معرفی نموده و بر این اساس از مردم می‌خواستند که از آنها «اطاعت» کنند. چون این کار، دشوار و همراه با برخی خطرات بود، از مردم می‌خواستند که ابتدا تقوی کسب کنند. تقوی روشی است که مردم را برای اطاعت کامل از ولی، آماده می‌سازد. برقرار شدن رابطه ولایت میان امت و ولی باعث می‌شود که اعتماد زیادی در جامعه به وجود آید. این اعتماد اختصاص به جامعه ولایی دارد و البته می‌تواند در کنار ابزارهای مردم‌سالار به کار گرفته شود. حتی می‌توان گفت که اعتماد ناشی از ولایت می‌تواند در جهت اصلاح ابزارهای اعتمادساز در دموکراسی‌ها به کار گرفته شود؛ زیرا نهادسازی اگرچه یک ابزار مهم در تولید اعتماد است، با این حال می‌تواند با گرفتار شدن به دیوان‌سالاری افراطی، در تولید اعتماد دچار اختلال شود. به عنوان مثال یک حزب که گرفتار بازی‌های بروکراتیک شده است نمی‌تواند اعتماد زیادی را جلب نماید. در این وضعیت است که افراد متقی جامعه با اعتمادی که ولی امر ابراز می‌کنند می‌توانند فراتر از نهادها اعتماد را در جامعه حفظ نمایند.

### ۶-۳- اصل سوم تقوای سیاسی: التزام اعتقادی و عملی به ولی

پس از اینکه در «پذیرش ولایت الهی» و «ملازم دانستن ولایت الهی و اطاعت از ولی» تقوی به کار گرفته شد، به گام سوم در اصول تقوای سیاسی می‌رسیم. این مرحله از تقوای سیاسی به «التزام اعتقادی و عملی به ولی» باز می‌گردد. افراد با تقوی، باید در این مرحله نیز در حفظ و رعایت تقوی کوشا باشند. پیروی از ولی در حوزه اعتقاد و عمل، از جمله کمین‌گاه‌هایی است که شیطان بسیاری از مسلمانان و مؤمنین را گمراه می‌کند؛ اما کسانی که دلشان به نور تقوی روشن شده باشد و تقوی را به ملکه وجودی خود تبدیل کرده باشند، از نیرنگ‌های شیطان و نفس اماره بر کنارند و با استفاده از تقوی، در اعتقاد و عمل، فرمانبردار ولی می‌باشند. کسانی که صاحب این مرحله از تقوی نیز باشند، هرگز عقیده‌ای مخالف ولی اتخاذ نمی‌کنند و یا عملی را مرتکب نمی‌شوند که به دشمنی با ولی تعبیر شود؛ بنابراین رابطه بسیار قوی و بی‌بدیلی با ولی بر قرار می‌سازند. این رابطه، مولد و بستر اعتماد سیاسی‌ای است که در هیچ مکتب فکری دیگری قابل تولید نیست.

از آنجایی که اطاعت از ولی، اطاعت از فرامین خدا و اجرای احکام الهی است، نه بر آوردن خواهش‌های نفسانی و امیال مادی انسان صاحب ولایت، به هیچ عنوان بیم مواجه شدن با دیکتاتوری و استبداد نمی‌رود؛ زیرا اگر فردی که صاحب ولایت



است مردم را به اطاعت از خود - و نه خدا - دعوت کند، بلافاصله رابطه او با خدا قطع می‌شود و از ولایت الهی بیرون می‌رود و اصطاحاً «طاغوت» نامیده می‌شود. در این صورت او دیگر ولی نیست و از ولایت الهی نیز برخوردار نخواهد بود. خداوند به «افراد باتقوی» این مطلب را یادآوری می‌کند و مجازات‌های سختی که برای ولی منحرف در نظر گرفته است را بیان می‌کند: «اگر او [پیامبر اکرم] سخنی دروغ بر ما می‌بست، ما او را با قدرت می‌گرفتیم، سپس رگ قلبش را قطع می‌کردیم و هیچ کس از شما نمی‌توانست از (مجازات) او مانع شود؛ و آن مسلماً تذکری برای افراد باتقوی است.» (سوره مبارکه الحاقه، آیات شریفه ۴۴-۴۸)

به علاوه، خداوند این اطمینان را داده است که با امدادهای غیبی خود، از انحراف «ولی» جلوگیری می‌نماید و درمورد انحراف «ولی» و تبدیل شدن به یک فرد مستبد و دنیاطلب، هیچ نگرانی‌ای وجود ندارد. (سوره مبارکه اسراء، آیه شریفه ۷۵) در آخرین ضمانت اجرا، خداوند تأکید نموده که اگر صاحبان ولایت دچار انحراف گردند، از هدایت خدا محروم شده و بر اساس سنت الهی افراد دیگری جایگزین آنها می‌گردد. (سوره مبارکه انعام، آیات شریفه ۸۸ و ۸۹)

با این سه ضمانت اجرا، مسلمانان موظفند که به ولی، «اعتماد کامل» داشته باشند و دستورات او را بر نظر خود مقدم بشمارند و در ظاهر و باطن، او را اطاعت نمایند. همچنین باید تقوای سیاسی پیشه کنند و احتیاط نمایند که مبادا در مورد «ولایت» قصور نموده و گناهی مرتکب شوند.

### ۶-۳-۱- التزام اعتقادی به ولی

«...هان! ای کسانی که ایمان آورده‌اید وقتی با یکدیگر نجوی می‌کنید به گناه و دشمنی و نافرمانی رسول نجوی مکنید بلکه به نیکی و تقوی نجوی کنید و برای خدایی که به سویش محشور می‌شوید تقوا پیشه کنید.» سوره مبارکه مجادله، آیات شریفه ۸ و ۹) در این آیه، کسانی که شایعه و سخنان غیر علنی علیه پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم پراکنده می‌سازند، سرزنش شده‌اند و از مسلمانان خواسته شده که حتی در سخنان غیر علنی و پنهانی خود هم نیکی و تقوی را رعایت نمایند؛ یعنی باید در صحبت‌های خصوصی هم تقوی را در نظر داشت و هر چیزی را بر زبان نیاورد.

سه دسته از سخنان پنهانی و غیر علنی در این آیات ممنوع شده است: سخنانی که مبتنی بر «اثم»، «عدوان» و «معصیت رسول» باشد. به بیان علامه طباطبایی «اثم» گناهان فردی و «عدوان» گناهان اجتماعی است. (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۳۲۳) سومین نوع گفتگوهای پنهانی ممنوع، مربوط به بحث ما می‌شود. این



سخنان معصیت‌الله نیست و سخن گفتن علیه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله وسلم و «ولی‌امت» است. این نجوای ممنوع، سیاسی است و شامل گفتگوهای است که اصالتاً گناه نیست و خداوند آنها را نهی نفرموده است؛ اما پیامبر اسلام که ولی‌امت است «به منظور تأمین مصالح امت دستور داده که از آن اجتناب ورزند.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۳۲۴)

علامه طباطبایی تأکید می‌کند که نوع سوم سخنان پنهانی ممنوع، در نص قرآن و یا دین اسلام ممنوع نشده است و حتی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌و آله وسلم آن را حرام شرعی ندانسته است؛ اما ایشان به عنوان حاکم، به امت اسلامی دستور داده که برای مصالح اداره جامعه و حکومت از گفتن این سخنان مباح، خودداری نمایند و مسلمانان نیز موظفند بر این فرمان گردن نهند و اطاعت نمایند. در آیه بعد خداوند ضمن تأکید دوباره بر حرمت نجوا کردن به «اتم»، «عدوان» و «معصیت رسول»، از مسلمانان می‌خواهد که در نجواها و سخنان پنهانی خود هم «تیکی» و «تقوی» را در نظر داشته باشند. در پایان آیه برای تأکید به مسلمانان امر می‌شود که تقوای الهی پیشه نمایند: «وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ». از تأکید بر کلمه تقوی استفاده می‌شود که بخشی از تقوای سیاسی باید در مورد گفتگوهای سیاسی پنهان (و به طریق اولی سخنان سیاسی آشکار) به کار گرفته شود و مراقبت و احتیاط به عمل آید که مبدا سخنانی رد و بدل شود که مورد رضایت «ولی» نباشد.

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در حکم کردن از خدا و رسول او پیشی مگیرید و تقوای الهی پیشه کنید که خدا شنوای دانا است...» (سوره مبارکه حجرات، آیه شریفه ۱) به نظر علامه طباطبایی، آنچه که خداوند مسلمانان را از پیشی گرفتن بر خدا و رسول خدا منع می‌کند، «چیزی است مشترک بین خدا و رسول و آن مقام حکمرانی است که مختص است به خدای سبحان و - با اذنش - به رسول او.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۸، ص ۴۵۵) بنابراین از مؤمنین خواسته شده است که نظر خود را مقدم بر حکم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌و آله وسلم که حاکم جامعه است قرار ندهند و مورد این موضوع، تقوی به خرج دهند؛ زیرا حکمرانی، خاص ولی خداست و مؤمنین را به آن راهی نیست. «آن مقام همان مقام حکم است که مؤمنین احکام اعتقادی و عملی خود را از آن مقام می‌گیرند.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۸، ص ۴۵۶) هم در «اعتقاد» و هم در «عمل» باید تابع نظر ولی خدا باشند. با این توصیف دستور آیه این است: مؤمنین و افراد باتقوی لازم است بدون دستور و حکم خداوند متعال و ولی او اقدامی نکنند و همواره «پیرو و گوش به فرمان خدا و رسول باشند.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۸، ص ۴۵۶)



این آیه، حوزه وسیعی را در اختیار ولی خدا قرار داده است؛ زیرا می‌دانیم که «هر فعل و ترک فعلی که آدمی دارد، بدون حکم نمی‌تواند باشد و همچنین هر تصمیم و اراده‌ای که نسبت به فعل و یا ترک فعلی دارد آن اراده نیز خالی از حکم نیست.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۸، ص ۴۵۶) بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که فرد مؤمن و باتقوی در هر رفتار خود و نیز در اراده و تصمیم، تنها از حکم خدا و ولی خدا متأثر می‌گردد. (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۸، ص ۴۵۶)

### ۶-۳-۲- التزام عملی به ولی

یکی از دستورات قرآن، «اطاعت از ولی» خداست و در کنار این دستور، به مؤمنین سفارش شده است که تقوی را رعایت نمایند. بر این اساس می‌توان گفت که بخشی از تقوای سیاسی، شامل اطاعت از حکم ولی می‌باشد. «...آنچه را رسول خدا برای شما آورده بگیریید (و اجرا کنید) و از آنچه نهی کرده خودداری نمایید و تقوای الهی پیشه کنید» (سوره مبارکه حشر، آیه شریفه ۷)

این آیه در مورد «فیء» نازل شده است؛ یعنی «اموالی که مالکی برای آن شناخته نشده باشد، از قبیل قله کوه‌ها و بستر رودخانه‌ها و خرابه‌های متروک و آبادیهایی که اهالی‌اش هلاک گردیده‌اند و اموال کسی که وارث ندارد و غیر آن. چنین اموالی از آن خدا و رسول خدا (ص) است.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۹، ص ۴) اما «شامل تمامی اوامر و نواهی رسول خدا (ص) می‌شود و تنها منحصر به دادن و ندادن سهمی از فیء نیست، بلکه شامل همه اوامری که می‌کند و نواهی‌ای که صادر می‌فرماید، هست.» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۳۵۳) سفارش به تقوی در این آیه، «مسلمانان را از مخالفت دستورات آن جناب بر حذر می‌دارد» (طباطبایی ۱۳۷۵، ج ۱۹، ص ۳۵۴) و تأکید می‌کند که مسلمانان باید مراقب باشند که حتی به «سرپیچی از دستورات حضرت رسول صلی‌الله علیه و آله و سلم» نزدیک نشوند.

علاوه بر اینکه تقوای سیاسی شامل اطاعت از دستورات «ولی» می‌شود، انتظار می‌رود افراد با تقوی، از این هم فراتر رفته و حتی بدون نیاز به فرمان مستقیم ولی خدا، به یاری او بشتابند. این افراد کسانی هستند که تقوای الهی نصیب آنها شده است و از هر فرصتی استفاده می‌کنند تا مراتب فرمانبرداری خود از دستورات خدا و ولی امر را به نمایش بگذارند؛ اما کسانی که از این تقوی بی‌بهره باشند و در ایمانشان نقصانی وجود داشته باشد، به دنبال بهانه‌ای می‌گردند تا از زیر بار دستورات ولی فرار نمایند. (سوره مبارکه توبه، آیه شریفه ۴۴)



## ۷- نتیجه گیری و پیشنهاد

اعتماد سیاسی، نیاز همه انواع حکومت‌ها است. همه نظام‌های سیاسی، برای کسب اعتماد سیاسی مردم تلاش می‌کنند. اکنون می‌توان با اطمینان گفت که حکومت و حزبی قوی‌تر است و قدرت سیاسی بیشتری دارد که بتواند اعتماد سیاسی بیشتری را جلب نماید. تمام ابزارهای قدرت سخت، وابسته به موفقیت سیاستمداران به اعتماد سیاسی به عنوان قدرت نرم است.

پس از انقلاب اسلامی، حکومت ایران برای پیش‌برد سیاست‌های داخلی و خارجی خود، به شدت به اعتماد سیاسی وابسته شد. به علاوه با ظهور احزاب و چهره‌های گوناگون سیاسی که در یک میدان واقعی رقابت سیاسی برای کسب قدرت تلاش می‌کردند، احزاب و جناح‌های سیاسی نیز ناچارند که اعتماد سیاسی مردم را جلب نمایند تا مراکز قدرت را فتح نمایند.

بسیاری از نظریه‌پردازان دانشگاهی معتقدند که مطابق الگوی شایع جهانی، بهترین راه برای افزایش اعتماد سیاسی در ایران، حرکت به سوی دموکراسی است. بر این اساس پیشنهاد می‌کنند که دولت باید نهادهای دموکراتیک را تقویت نماید تا اعتماد سیاسی افزایش یابد. این روش، همانطور که در دموکراسی‌های جدید ناکارآمد بود، در ایران نیز نتوانست به افزایش اعتماد سیاسی منجر شود. بسیاری از ابزارها و روش‌های دموکراسی‌سازی، در ایران هم مانند سایر نقاط جهان ناکارآمد است.

مذهب در دوران انقلاب و جنگ، به عنوان بستری برای تولید اعتماد سیاسی به کار رفت و نشان داد که می‌تواند منبع مناسبی برای تولید اعتماد سیاسی باشد. روش تولید اعتماد سیاسی با نسخه لیبرال دموکراسی، نه در جهان و نه در ایران نتوانسته موفق باشد و پافشاری و اصرار در منحصر دانستن تولید اعتماد سیاسی به دموکراسی، تعصبی نابجاست. سؤال این است که چه ضرورتی دارد منابع قوی تولید اعتماد سیاسی که در فرهنگ و دین ما وجود دارد و کارآمدی آن در نهضت مشروطه، انقلاب اسلامی، جنگ تحمیلی و دوران فتنه اثبات شده است را رها کرده و بر روش‌های ناکارآمد بیگانه لجاجت بورزیم؟ آن هم در حالی که دموکراسی‌های کهن، در حال حاضر با مشکل زوال اعتماد سیاسی دست و پنجه نرم می‌کنند.

در این نوشتار، به یکی از عناصر نظام سیاسی اسلام اشاره کردیم که می‌تواند به افزایش اعتماد سیاسی منجر گردد. «ولایت» یکی از اصلی‌ترین ارکان اسلام و مذهب شیعه است که نقش مهمی در هدایت جامعه داشته است و از آن به عنوان نعمت خداوند متعال به بندگان یاد شده است. از این نعمت می‌توان برای تولید اعتماد سیاسی بهره گرفت.





رابطه‌ای که میان ولی امر و امت اسلامی برقرار می‌شود، از هر رابطه دیگری قوی‌تر است و به همین دلیل حامل میزان بسیار بیشتری از اعتماد سیاسی است. این اعتماد سیاسی، محدود به مرزها نیست و هر فرد با تقوی، در هر نقطه‌ای از جهان، خود را وفادار به ولی امر می‌داند و همواره آماده اجرای فرامین اوست. این نوع نگرش، سرمایه عظیمی از اعتماد سیاسی نصیب جامعه اسلامی می‌کند.

با این بیان، می‌توان گفت که ترویج ولایت فقیه و جایگاه آن در ولایت الهی، یکی از مهمترین ابزارهای افزایش اعتماد در جمهوری اسلامی ایران است. به این ترتیب بهتر است به جای تأکید بر نهادهای دموکراتیک، نهادهای مربوط به ولایت را تقویت نمود. با این روش، اعتماد بیشتری تولید و انباشته می‌شود.

## ۸- منابع

### ۸-۱- منابع فارسی

۱. اوفه، کلاوس (۱۳۸۴) «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد کرد؟» در سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، کیان تاجبخش صص ۲۰۱-۲۷۵، تهران: شیرازه.
۲. معمار، رحمت‌الله، «بررسی تطبیقی نظریه‌های «لیبرال دموکراسی» و «مردم‌سالاری دینی» از منظر امام خمینی»، پژوهشنامه متین، بهار ۱۳۸۷، شماره ۳۸.
۳. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد ۳، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ۱۳۷۵.

### ۸-۲- منابع لاتین

1. Aberbach, JD, & Walker, JL (1970) "Political trust and racial ideology", *The American Political Science Review*, 64,4, 1199-1219.
2. Banducci, Susan, & Karp, Jeffrey (2003) "How elections change the way citizens view the political system: Campaigns, media effects and electoral outcomes in comparative perspective", *British Journal of Political Science*, 33, 443.
3. Citrin, Jack, & Luks, Samantha (2001) "Political trust revisited: déjà vu all over again?", *What is it about government that Americans dislike*, 9-27.
4. Clark, Jeff, & Lee, Dwight (2001) "The optimal trust in government", *Eastern Economic Journal*, 27,1, 19.
5. Cleary, Matthew R., & Stokes, Susan C. (2009) **Democracy and the Culture of Skepticism: Political Trust in Argentina and Mexico**. New York: Russell Sage Foundation.



6. Cooper, C., Knotts, H., & Brennan, K. (2008) "**The Importance of Trust in Government for Public Administration: The Case of Zoning**",Public Administration Review, 68,3, 459.
7. Dalton, RJ (2009) **Democratic challenges, democratic choices: The erosion of political support in advanced industrial democracies**. Oxford: Oxford University Press.
8. Encarnación, Omar (2006) "**Trust and Rule**",Political Science Quarterly, 121,1, 148.
9. Gershtenson, Joseph, Ladewig, Jeffrey, & Plane, Dennis (2006) "**Parties, Institutional Control, and Trust in Government\***",Social Science Quarterly, 87,4, 882.
10. Helliwell, J., & Huang, H. (2008) "**How's Your Government? International Evidence Linking Good Government and Well-Being**",British Journal of Political Science, 38,4, 595.
11. Hetherington, Marc J. (1998) "**The political relevance of political trust**", The American Political Science Review. 92, 4, 791.
12. Hetherington, Marc J. (1999) "**The effect of political trust on the presidential vote, 1968-96**",The American Political Science Review, 93,2, 311.
13. Inglehart, Ronald (1999) **Trust, well-being and democracy**.In, **Democracy and trust**, pp. 88–120: Cambridge University Press.
14. Inglehart, Ronald (2004) **Human Beliefs and Values: a cross-cultural sourcebook based on the 1999-2002 values surveys**. Siglo XXI 2004.
15. Lawson, Chappell (2007) "**Democracy and the Culture of Skepticism: Political Trust in Argentina and Mexico**",Political Science Quarterly, 122,3, 522.
16. Lenard, Patti Tamara (2007) "**Shared Public Culture: A Reliable Source of Trust**",Contemporary Political Theory, 6,4, 385
17. Li, Y., & Marsh, D. (2008) "**New Forms of Political Participation: Searching for Expert Citizens and Everyday Makers**",British Journal of Political Science, 38,2, Pg 247.
18. Macy, Michael (2002) "**Trust in Society**",Contemporary Sociology, 31,4, 473.
19. Maddox, Graham (2008) "**Truth Telling and the Fragility of Democracy**", Social Alternatives, 27,1, Pg 17.
20. Marcus, Alexander (2007) "**Determinants of Social Capital: New Evidence on Religion, Diversity and Structural Change**",British Journal of Political Science, 37,2, 368.
21. Mechanic, David (1996) "**The Logic and Limits of Trust**", Contemporary Sociology, 25,4, 455.
22. Michelson, Melissa R. (2003) "**The corrosive effect of acculturation: How Mexican Americans lose political trust.**", Social Science Quarterly 84.4.



23. Miller, AH (1974) **"Political issues and trust in government: 1964-1970"**, The American Political Science Review, 68,3, 951-972.
24. Mishler, William, & Rose, Richard (1997) **"Trust, distrust and skepticism: Popular evaluations of civil and political institutions in post-Communist societies"**, The Journal of Politics, 59,2, 418.
25. Myerson, R. (2008) **"The Autocrat's Credibility Problem and Foundations of the Constitutional State"**, The American Political Science Review, 102,1, 125.
26. Nye Jr, JS (1997) **Introduction: The decline of confidence in government. In, Why people don't trust government**, pp. 1-18: CambriidgeMA: Harvard University Press.
27. Pharr, SJ, & Putnam, RD (2000) **Disaffected democracies: what's troubling the trilateral countries?:** Princeton Univ Pr.
28. Putnam, RD (2004) **Democracies in flux: The evolution of social capital in contemporary society**. Oxford University Press, USA.
29. Schiffman, Leon, Sherman, Elaine, & Kirpalani, Nicole (2002) **"Trusting souls: A segmentation of the voting public"**, Psychology & Marketing, 19,12, Pg 993.
30. Shakaryan, Artak (2007) **"Civic Trust and Governance in Armenia"**, Demokratizatsiya, 15,2, Pg 261.
31. Ulbig, Stacy (2002) **"Policies, procedures, and people: Sources of support for government?"**, Social Science Quarterly, 83,3, 789.
32. Van Der Brug, W., & Van Praag, P. (2007) **"Erosion of Political Trust in the Netherlands: Structural or Temporarily? A Research Note"**, Acta Politica. 42,4, Pg 443.
33. Warren, ME (1999) **Democratic theory and trust. In, Democracy and trust**, pp. 310-345: Cambridge University Press.
34. Wright, Scott (2006) **"Electrifying Democracy? 10 Years of Policy and Practice"**, Parliamentary Affairs. 59,2, Pg 236.
35. Zmerli, S., & Newton, K. (2008) **"SOCIAL TRUST AND ATTITUDES TOWARD DEMOCRACY"**, Public Opinion Quarterly, 72,4, 706.
36. <http://www.informationclearinghouse.info/article25291.htm>

